

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي جَعَلَ الْمَوْتَ  
وَالْحَيَاةَ وَالَّذِي  
يُحْيِي الْمَوْتَى  
وَالَّذِي يُخْرِجُ  
الْحَبَّ وَالذُّرَى  
وَالَّذِي يُخْرِجُ  
الْحَبَّ وَالذُّرَى  
وَالَّذِي يُخْرِجُ  
الْحَبَّ وَالذُّرَى



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده علوم اجتماعی  
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

عنوان:

«دانشجو در پهنه‌ی تعارضات خانواده و

دانشگاه»

استاد راهنما:

دکتر شیرین احمدنیا

استاد مشاور:

دکتر ابراهیم توفیق

استاد داور:

دکتر محمدسعید ذکایی

دانشجو:

کاوش کامرانی

شهریور ۱۳۸۹

برای برادر م کاوه

که مهربانی حضورش، همواره مایه دلگرمی من بوده است.

## چکیده:

دانشگاه میدانی است که روحیه‌ی فردگرایی را در دانشجویان بر می‌انگیزد که سپس این روحیه، در استراتژی‌های مختلف و ترکیبی بازتاب می‌یابد؛ به طوری که دانشجویان در تعامل با خانواده و در زمینه‌هایی که بر سر آن با خانواده تعارض دارند، استراتژی‌های متعددی اتخاذ می‌کنند و استراتژی‌های اتخاذ شده از سوی آنها، ترکیبی است؛ به گونه‌ای که همه‌ی آنها در بدو امر، استراتژی «مقاومت» و با تداوم آن، استراتژی «ایجاد تغییر» را اتخاذ کرده و پس از آن در کنار استراتژی مقاومت و ایجاد تغییر، استراتژی‌های «مدارا»، «تحمل»، «دوری گزیدن» و در برخی موارد «همنوایی» را در پیش می‌گیرند. استراتژی‌های هویتی دانشجویان نیز ترکیبی از «هویت مقاومت» و «هویت برنامه دار» است. عوامل متعددی سبب می‌شود که استراتژی‌های دانشجویان چنین روندی داشته باشد؛ در این میان اما «اهمیت خانواده» و نقشی که در زندگی افراد ایفا می‌کند، بیش از هر عامل دیگری تعیین کننده است، زیرا که نیاز به تأیید شدن از سوی خانواده برای افراد حیاتی است و اگر از سوی خانواده طرد شده یا حتی مورد بی‌توجهی قرار گیرند، مهم ترین منابع حیاتی خود را از دست داده و با چالش‌های بی‌شماری رویارو خواهند گشت.

در نتیجه دانشجویان با اینکه روحيات، نگرش‌ها و تمایلات بسیار فردگرایانه‌ای دارند و عمدتاً خواهان آنند که در برابر خانواده مقاومت کرده و ساختار آن را تغییر دهند، به جهت اینکه بقا و دوام زندگی شان وابسته به بودن با خانواده و تأیید شدن از سوی آن است، استراتژی‌هایی غیر از «مقاومت» را نیز در پیش می‌گیرند. با این همه، اتخاذ سایر استراتژی‌ها از سوی دانشجویان حاکی از ضعف یا کاهش فردگرایی آنها نیست.

این پژوهش با روش نظریه‌ی مبنایی صورت گرفته و یافته‌های آن از طریق مصاحبه با ۲۱ نفر از دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به دست آمده است.

**واژگان کلیدی:** دانشجویان، دانشگاه، خانواده، تعارض، فردگرایی، استراتژی‌های رفتاری، استراتژی‌های

هویتی

## پیشگفتار

لازم است پیش از آغاز بحث راجع به برخی مباحث یا وجوه تحقیق پیش رو کمی بیشتر توضیح دهم تا ابهامات یا پرسش های احتمالی پیش آمده برای خواننده را تا حد امکان پاسخ داده باشم.

من در این تحقیق وجود تعارض میان دانشجو و خانواده را مفروض گرفته ام؛ دلایلی چند مرا مجاب ساخت تا این پژوهش را بر فرض مذکور بنا نهم. اول، از آنجا که هیچ پژوهشی در این زمینه صورت نپذیرفته بود، کار من حکم ورود به دنیایی تاریک و ناشناخته داشت که ورود به آن ناچاراً به مدد فرض یا مفروضاتی معین امکانپذیر می‌گشت. دوم، تجارب شخصی خودم به عنوان دانشجو که حدود هفت سال زندگی خوابگاهی و دانشجویی را تجربه کرده و با دانشجویان زیادی در ارتباط بودم که زبان حال بسیاری از آنها حکایت از تعامل تعارض گونه‌ی آنها با خانواده داشت، به من اجازه داد تا در این پژوهش تعارض را مفروض بگیرم.

در فصل چهارم، آنجا که ذیل هر مقوله به ذکر مصداق‌هایی از متن مصاحبه‌ها پرداخته‌ام، در برخی موارد تقریباً بیشتر گفته‌های مصاحبه‌شونده را آورده و یا اینکه برای یک مقوله چندین مصداق از مصاحبه‌های مختلف آورده‌ام؛ این کار من ممکن است به نظر «اضافی» یا «غیرمفید» جلوه نماید اما من برای آن چند دلیل دارم؛ اول اینکه، نقل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان با تکیه بر بخشی از آنها که مستقیماً مصداق مقوله‌ای معین است، بدون ذکر توضیحات تکمیلی‌ای که آنها درباره‌ی بستر اجتماعی تجربه‌ی خود می‌دهند، از اعتبار نتایج و استنباط‌های محقق می‌کاهد و چنین به نظر می‌رسد که گویا محقق در تحلیل مصاحبه‌ها و فهم آنها دلبخواهانه عمل کرده است. دیگر اینکه، گرچه توضیحات و گفته‌های دانشجویان در کلیت آن ناظر بر مضمونی واحد است، اما وجود تفاوت‌های ظریف و جزئی در آنها - که به گونه‌ای حاکی از وجود تکثر در چگونگی تعارض آنها با خانواده، استراتژی‌های آنها در برخورد با تعارض مذکور و... بود- من را مجاب ساخت تا ذیل هر مقوله چندین مصداق از متن مصاحبه‌ها آورده و مسیر ایجاز در پیش نگیرم. زیرا ترسیم پویایی و تنوع موجود در پدیده‌ی اجتماعی مورد مطالعه به طور خاص، فقط از این طریق امکانپذیر بود و اگر به طریقی غیر از این عمل می‌کردم، این امکان وجود داشت که اتهام ارائه‌ی تصویری ایستاگرایانه - از موضوع مطالعه - بر من وارد گردد.

تقدیر و شکر

بر خود لازم می‌دانم از اساتید گرامتقدیرم دکتر شیرین احمد نیا و دکتر ابراهیم توفیق که در تمام مراحل این پژوهش با نهایت دقت و ژرف نگری راهنمایی ام فرمودند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

بجانبین جادارد که از دکتر محمد سعید دکامالی که منصفانه به داوری این رساله پرداختند، قدر دانی نمایم.

## فهرست عناوین

### فصل ۱: کلیات

- ۱-۱. بیان مساله ..... ۱
- ۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق ..... ۳
- ۳-۱. اهداف تحقیق ..... ۴
- ۴-۱. پرسش های تحقیق ..... ۴
- ۵-۱. موخره ..... ۵

### فصل ۲: چارچوب مفهومی

- ۱-۲. مقدمه ..... ۶
- ۲-۲. تعریف مفاهیم اصلی ..... ۷
- ۱-۲-۲. تعارض ..... ۷
- ۲-۲-۲. فردگرایی ..... ۸
- ۳-۲. نظریات کارآمد جهت ساختن چارچوب مفهومی ..... ۱۰
- ۱-۳-۲. نظریه ی گیدنز در باب مدرنیته و مدرنیته ی متأخر ..... ۱۰
- ۲-۳-۲. نظریه ی کاستلز درباره ی هویت ..... ۱۳
- ۳-۳-۲. نظریه ی کنش بوردیو ..... ۱۵

### فصل ۳: روش تحقیق

- ۱-۳. روش نظریه ی مبنایی ..... ۱۷
- ۲-۳. دلایل استفاده از روش نظریه مبنایی و موارد کاربرد آن ..... ۱۷
- ۳-۳. حساسیت نظری ..... ۲۰
- ۴-۳. رویه های تحلیلی ..... ۲۱
- ۱-۴-۳. نمونه گیری نظری ..... ۲۱
- ۲-۴-۳. کدگذاری باز ..... ۲۵
- ۳-۴-۳. کدگذاری محوری ..... ۲۵
- ۴-۴-۳. کدگذاری انتخابی ..... ۲۶
- ۵-۴-۳. روند ..... ۲۶
- ۵-۳. منابع جمع آوری داده ها ..... ۲۷

۲۷	..... ۳-۵-۱. مصاحبه‌ی نیمه ساخت یافته
۲۸	..... ۳-۵-۱-۱. مضمون سئوالات مصاحبه
۲۸	..... ۳-۵-۱-۲. زمان و مکان مصاحبه
۲۹	..... ۳-۶. ملاک‌های ارزیابی نظریه‌ی مبنایی

## فصل ۴: یافته‌ها

۳۱	..... ۴-۱. مقدمه
۳۲	..... ۴-۲. شرایط علی
۳۷	..... ۴-۲-۱. رشته‌ی تحصیلی
۴۰	..... ۴-۲-۲. تأثیر پذیری فکری- رفتاری از دوستان دانشجو
۴۴	..... ۴-۲-۳. تجربه‌ی زندگی در خوابگاه
۴۵	..... ۴-۲-۴. تجربه‌ی زیسته و تأثیرپذیری های فرد تا قبل از ورود به دانشگاه
۴۷	..... ۴-۲-۵. دور بودن از نظارت و کنترل خانواده
۴۸	..... ۴-۲-۶. تجربه‌ی زندگی در شهر تهران
۵۰	..... ۴-۳. پدیده/ مقوله‌ی محوری
۵۱	..... ۴-۴. زمینه
۵۲	..... ۴-۴-۱. تعارض دینی- مذهبی
۵۴	..... ۴-۴-۲. تعارض سیاسی
۵۵	..... ۴-۴-۳. تعارض در زمینه‌ی رابطه با جنس مخالف
۵۷	..... ۴-۴-۴. تعارض در زمینه‌ی نحوه‌ی پوشش
۵۹	..... ۴-۴-۵. تعارض در زمینه‌ی استفاده از ماهواره
۶۰	..... ۴-۴-۶. تعارض در زمینه‌ی نوع موسیقی مورد علاقه
۶۱	..... ۴-۴-۷. تعارض در زمینه‌ی نحوه‌ی گذران اوقات فراغت
۶۳	..... ۴-۴-۸. تعارض در زمینه‌ی داشتن فضای خصوصی و حریم شخصی
۶۴	..... ۴-۴-۹. تعارض در زمینه‌ی ملاک‌ها و معیارهای ازدواج
۶۶	..... ۴-۴-۱۰. تعارض در زمینه‌ی آداب و رسوم
۶۷	..... ۴-۴-۱۱. تعارض در زمینه‌ی مراودات خویشاوندی
۶۸	..... ۴-۴-۱۲. تعارض با عرف منطقه‌ی محل سکونت خانواده



- ۷۰ ..... ۴-۵. استراتژی های کنش / کنش متقابل
- ۷۰ ..... ۴-۵-۱. استراتژی های رفتاری
- ۷۰ ..... ۴-۵-۱-۱. مقاومت
- ۷۴ ..... ۴-۵-۱-۲. ایجاد تغییر
- ۷۶ ..... ۴-۵-۱-۳. مدارا
- ۷۹ ..... ۴-۵-۱-۴. تحمل
- ۸۱ ..... ۴-۵-۱-۵. دوری گزیدن
- ۸۴ ..... ۴-۵-۱-۶. همنوایی
- ۸۵ ..... ۴-۵-۱-۷. فقدان استراتژی (وضعیت آنومیک)
- ۸۵ ..... ۴-۵-۲. استراتژی های هویتی (سوگیری هویتی)
- ۸۵ ..... ۴-۵-۱-۱. هویت مقاومت
- ۸۸ ..... ۴-۵-۲-۲. هویت برنامه دار
- ۹۰ ..... ۴-۵-۲-۳. سردرگمی یا تردید در معانی ذهنی - هویتی
- ۹۱ ..... ۴-۵-۲-۴. از خود بیگانگی
- ۹۲ ..... ۴-۶. شرایط مداخله گر
- ۹۲ ..... ۴-۶-۱. اهمیت خانواده و نیاز به تأیید آن
- ۹۵ ..... ۴-۶-۲. خانواده مهم ترین منبع سرمایه اجتماعی
- ۹۹ ..... ۴-۶-۳. خانواده منبع اعتبار و منزلت اجتماعی
- ۱۰۱ ..... ۴-۶-۴. وابستگی اقتصادی به خانواده
- ۱۰۲ ..... ۴-۶-۵. ضعف نهادهای مدنی، NGOها، انجمن ها و نهادهای پشتیبان
- ۱۰۳ ..... ۴-۶-۶. دیرینگی، دوام و تغییر ناپذیری عقاید، عادات و برخی الگوهای رفتاری خانواده
- ۱۰۶ ..... ۴-۶-۷. انگیزه ها، نگرش ها و تجربه های شخصی
- ۱۱۰ ..... ۴-۷. پیامدها
- ۱۱۰ ..... ۴-۷-۱. پیامدها برای دانشجو
- ۱۱۰ ..... ۴-۷-۱-۱. پیامدهای شناختی
- ۱۱۲ ..... ۴-۷-۱-۲. پیامدهای عملی
- ۱۱۴ ..... ۴-۷-۱-۳. پیامدهای روانی

۱۱۶	..... پیامدها برای خانواده. ۲-۷-۴
۱۱۶	..... پیامدهای شناختی. ۱-۲-۷-۴
۱۱۸	..... پیامدهای عملی. ۲-۲-۷-۴
۱۱۹	..... پیامدهای روانی. ۳-۲-۷-۴
۱۲۰	..... جمع بندی یافته ها/ مدل پارادایمی. ۸-۴
۱۲۱	..... نظریه مبنایی برآمده از تحقیق. ۹-۴

## فصل ۵: خلاصه، نتیجه گیری و نقد

۱۲۳	..... خلاصه. ۱-۵
۱۲۳	..... نتیجه گیری. ۲-۵
۱۲۵	..... نقد تحقیقات پیشین. ۳-۵
۱۲۵	..... تحقیقات انجام شده با رویکرد «گفتمان جامعه‌ی گذار. ۱-۳-۵
۱۲۶	..... تحقیقات انجام شده در چارچوب «مطالعات نسلی. ۲-۳-۵
۱۲۷	..... تحقیقات انجام شده با «رویکرد ساختی-کارکردی. ۳-۳-۵
۱۲۸	..... کاستی ها و مشکلات تحقیق. ۴-۵
۱۲۹	..... پیشنهادات برآمده از تحقیق. ۵-۵
۱۳۰	..... فهرست منابع.
۱۳۳	..... پیوست.

فصل ۱:

کلیات

## ۱-۱. بیان مساله

تحقیق حاضر با این پیش فرض آغاز می‌گردد که دو نهاد خانواده و دانشگاه در جامعه‌ی امروز ایران از جایگاه و اهمیت بی‌شائبه‌ای برخوردارند. تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهند که از یک سو «میزان خانواده‌گرایی در ایران و اعتقاد به ارزش‌های سنتی خانواده بالاست و ایرانیان در حوزه‌ی روابط خانوادگی، سنتی و بسیار سنتی هستند. به عبارتی، بر مبنای یک مقیاس صفر تا ده، میانگین شاخص خانواده‌گرایی در ایران، ۸/۴۴ می‌باشد، یعنی در حد بالایی است» (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۶: ۱۱۸، ۱۱۱، ۱۰۹) و «بیشترین میزان احساس تعلق به گروه‌های نخستین، بیشترین میزان اعتماد به گروه‌های نخستین، بیشترین میزان همکاری و مشارکت با گروه‌های نخستین و بیشترین میزان آمادگی داوطلبانه برای حل مشکلات اعضای گروه نخستین، همگی مربوط به خانواده و اعضای خانواده می‌باشد» (ناصری نوجده سادات، ۱۳۸۷: ۱۵۲ و حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۹۹) از سوی دیگر میزان سرمایه‌ی اجتماعی بین گروهی هنجاری در حد متوسط متمایل به کم است؛ به طوریکه بیشترین اعتماد به گروه‌های اجتماعی مربوط به هیأت‌ها و دسته‌های مذهبی و کمترین میزان آن مربوط به NGOها می‌باشد و سرمایه‌ی اجتماعی برون گروهی که مهمترین عامل در پیوند فرد با سازمان‌ها و برخی نهادهای اجتماعی رسمی است، کمتر از حد متوسط است (ناصری نوجده سادات، ۱۳۸۷: ۱۵۲، ۱۲۶، ۱۲۵).

طبق یافته‌های فوق می‌توان به این نتیجه رسید که نهاد خانواده از سویی مورد اعتمادترین و کارکردی‌ترین نهاد اجتماعی در جامعه‌ی ایرانی است و از دیگر سوی به دلیل ضعف دولت رفاه و نیز سایر نهادهای حمایتی، همچون سازمان‌های مددکاری اجتماعی، NGOها و... که مرتبط با دولت رفاه و مقتضیات آن هستند، نقش و اهمیت خانواده دو چندان گشته و کارکردها و مسئولیت‌هایش چند برابر؛ به طوریکه در اغلب موارد به ویژه در لحظات حساس و بحرانی زندگی، مأمون و مأوای افراد می‌گردد. بدون شک نهادی با این درجه از اهمیت، نقش ویژه‌ای در زندگی افراد ایفا می‌کند و گسست از آن دشوار و در برخی موارد غیر ممکن است.

دانشگاه نیز از آن جهت حائز اهمیت است که از یک سو در جامعه‌ی امروز ایران، تحصیلات عالی و دانشگاهی، ارزش اجتماعی ویژه و منحصر به فردی را به خود اختصاص داده (معیدفر، ۱۳۸۶: ۱۱) و از دیگر سوی جامعه‌ی ایران به لحاظ سنی جامعه‌ای جوان است که این جوانان با انگیزه‌های کسب منزلت اجتماعی بالاتر، کسب معلومات بیشتر و دستیابی به شغل و درآمد بالاتر وارد دانشگاه می‌شوند؛ به عبارت دیگر افراد مورد نظر بر این تصورند که انتخاب دانشگاه و به تبع آن داشتن مدرکی دانشگاهی، بیش از هر چیز راه ورود آنها به عرصه‌ی کار و اشتغال را هموارتر ساخته

و امکان دستیابی آنها به منزلت شغلی و اجتماعی والا، عملی‌تر می‌گردد (زارع شاه آبادی، ۱۳۸۱: ۴۰).

روند رو به افزایش جمعیت پذیرفته شدگان مراکز آموزش عالی نیز حاکی از همین امر است؛ به طوریکه «جمعیت پذیرفته شدگان مراکز مذکور از ۵۶۲۵۷ نفر در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ به ۴۰۵۴۲۷ نفر در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ افزایش یافته است که نشان دهنده‌ی رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۸/۶ درصد است. این نرخ رشد البته قابل توجه است چرا که با چنین نرخ رشدی جمعیت پذیرفته شدگان کشور حدوداً هر ۸ سال دو برابر می‌شود (روشن و ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

با این همه تحقیقات انجام گرفته در ایران نشان می‌دهند که «با افزایش تحصیلات، گرایش به انتخاب فردی افزایش می‌یابد، به نحوی که دارندگان تحصیلات دانشگاهی، دو برابر افراد بی‌سواد به انتخاب فردی گرایش دارند» (طالب و گودرزی، ۱۳۸۲: ۱۳۳). تحصیل کردگان بیشتر از گروه‌های دیگر، به ارزش‌ها و هنجارهای جدید و فردگرایانه گرایش دارند (همان: ۱۳۱). گرایش دانشجویان به استقلال طلبی، در حین تحصیل در دانشگاه بیشتر از قبل می‌باشد (خندقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۹۱) افراد تحصیل کرده، کمتر از گروه‌های تحصیلی پایین به ارزش‌های سنتی خانواده ارجح می‌نهند (ارمکی و ملکی: ۱۳۸۶: ۱۱۰) و تأکیدشان بیشتر بر هنجارهای جدید خانوادگی با گرایش‌های فردگرایانه، تشکیل خانواده در سنین بالاتر و گرایش نسبی به برابری در خانواده می‌باشد (طالب و گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۴۱)؛ در واقع بین تحصیلات و خانواده‌گرایی، رابطه‌ی معکوس وجود دارد (آزاد ارمکی و ملکی: ۱۳۸۶: ۱۱۰).

بنابراین، تحصیل در دانشگاه و تجربه‌ی زندگی دانشجویی، یکی از عواملی است که در رشد و تقویت فردیت و گرایش‌های فردگرایانه و ایجاد نوعی روحیه‌ی استقلال طلبی همراه با سرکشی در افراد مؤثر است. این سنخ از روحیه و گرایش‌ها، فرد را دقیقاً در تعارض با خانواده قرار می‌دهد؛ خانواده‌ای که عمدتاً در برابر چنین تمایلاتی مقاومت می‌کند و بیشتر تأکید و میل اش بر جمع‌گرایی است.

حال، حلقه مفقوده و مبهم در این میان این است که فردی با این گرایش‌ها، در برخورد و رابطه با خانواده چه واکنشی از خود نشان می‌دهد؟ به عبارت دیگر، فرد چه عملکردی اتخاذ می‌کند؟ به نظر می‌رسد عملکرد فرد بسیار مبهم و نا معلوم باشد؛ چون از یک سو با روحیات فردگرایانه اش، ممکن است علیه خانواده طغیان کند و از دیگر سو، به دلیل اهمیت خانواده و نقش بی‌شائبه‌ای که در زندگی وی ایفا می‌کند، توانایی دل‌کندن و گسست از آن را ندارد.

مسئله‌ی دیگری که در پی این مناسبات پیش می‌آید آن است که در وضعیت تعارض گونه و متضاد موجود، فرد (دانشجو) چگونه به تعریف «خود» می‌پردازد؟ شایان ذکر است که در اینجا به هیچ وجه مدعی این نیستیم که صرفاً شرایط تعارض گونه‌ی موجود بر سازنده‌ی هویت دانشجو است، و ضمناً نسبت به امکان تأثیر سایر عوامل بر هویت دانشجو آگاهیم. با این همه، تحقیق پیش رو به هیچ وجه در پی سنجش میزان تأثیر سایر عوامل بر هویت دانشجو نبوده و آنچه مشخصاً مدنظر ماست، عبارت است از اینکه از نظر دانشجو، شرایط مذکور تا چه حد در سوگیری هویتی وی تعیین کننده اند و نیز اینکه دانشجو در این شرایط، چگونه و با اتکا به کدام معیارها (معیارهای فردگرایانه یا جمع‌گرایانه)، به تعریف هویت خویش می‌پردازد؟

## ۲-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

تقریباً در هیچ یک از تحقیقات پیشین، نسبت به وضعیت تعامل دانشجویان با خانواده و نحوه‌ی عملکرد آنان در این زمینه، تأملی صورت نگرفته است. آنچه انجام شده، یا بررسی تأثیر دانشگاه بر دانشجویان، یا بررسی اهمیت نهاد خانواده در حمایت عاطفی دانشجویان و غیره بوده است. به عبارت دیگر، در تحقیقات پیشین، دانشجویان عمدتاً به عنوان «ابژه» ی تحقیق در نظر گرفته شده اند و تأثیرات خانواده، دانشگاه و دیگر عوامل، بر آنها سنجیده شده است یا اینکه صرفاً مطالعاتی در جهت/ با هدف سنجش نگرش‌های دانشجویان بوده‌اند، در حالی که در تحقیق حاضر، دانشجویان، به مثابه «سوژه» ای که در رابطه با خانواده استراتژی‌ها و عملکردهایی را اتخاذ می‌کنند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

موارد ذکر شده، ضمن نقد تحقیقات پیشین، دلایلی برای اهمیت هر چه بیشتر تحقیق پیش رو می‌باشند؛ زیرا در این موارد به کاستی‌ها و نیز موضوعات نادیده انگاشته شده در تحقیقات پیشین اشاره شده است. بنابراین، اهمیت و ضرورت اساسی این تحقیق در آن است که نسبت به کاستی‌های مذکور توجه و تأمل ویژه‌ای اختصاص می‌دهد. گرچه، می‌توان طبق روال معمول و مألوف، ضرورت دیگر پرداختن به این موضوع را با این گزاره که «یافته‌های این تحقیق به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه‌ی مسائل دانشجویان و خانواده کمک خواهد کرد»، توجیه نمود.

### ۳-۱. اهداف تحقیق

- شناخت زمینه های تعارض میان دانشجو و خانواده از نظر خود دانشجو
  - فهم نحوه عملکرد دانشجو در رابطه‌ی تعارض گونه با خانواده و سعی در ارائه‌ی سنخ شناسی از شیوه‌ی عملکرد دانشجو
  - فهم انگیزه‌ها و معانی ذهنی دانشجو از نوع عملکردی که اتخاذ می‌کند
  - فهم نحوه و نوع معنابخشی دانشجو از وضعیت تعارض گونه‌ی موجود
  - شناسایی عوامل موثر بر نحوه‌ی عملکرد دانشجو، از نظر خود دانشجو
  - فهم چگونگی سوگیری هویتی دانشجو در بستر تعارضات مذکور
  - فهم میزان تعیین‌کنندگی شرایط موجود در سوگیری هویتی دانشجو، از نظر خود دانشجو
- بنا بر آنچه ذکر شد می‌توان پرسش‌های اساسی تحقیق را چنین صورت بندی نمود :

### ۴-۱. پرسش‌های تحقیق

۱. نحوه‌ی عملکرد دانشجو در رابطه‌ی تعارض گونه با خانواده چگونه است؟ (سؤال اصلی)
۲. از نظر دانشجو، کدام عوامل و انگیزه‌ها در نحوه‌ی عملکرد اش دخیل اند؟
۳. عملکرد اتخاذ شده از سوی دانشجو، دلالت بر چه چیزی دارد؟ آیا عملکرد مذکور در راستای حفظ و تداوم فردگرایی دانشجو می‌باشد یا اینکه حاکی از تقلیل و تضعیف این مولفه‌ی ذهنی- رفتاری در دانشجوست؟
۴. از نظر دانشجو، تعارضات میان او و خانواده در چه زمینه‌هایی است؟
۵. از نظر دانشجو، شرایط تعارض گونه‌ی موجود، تا چه حد در سوگیری هویتی وی تعیین‌کننده‌اند؟
۶. در وضعیت تعارض گونه‌ی موجود، سوگیری هویتی دانشجو چگونه و بر اساس کدام معیارها (ارزش‌های جمع‌گرایانه، فردگرایانه و...)، صورت می‌پذیرد؟
۷. از نظر دانشجو، وضعیت تعارض گونه‌ی موجود چه پیامدهایی برای او و خانواده داشته است؟

## ۱-۵. مؤخره:

در اینجا لازم می‌دانم تا توضیحاتی در مورد پیشینه‌ی تحقیق ارائه دهم. در این زمینه به ذکر دو نکته اکتفا خواهم کرد:

اول اینکه، از آنجا که روش نظریه‌مبنایی در زمینه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که کمتر تحقیقی در آن زمینه انجام شده یا اصلاً تحقیقی صورت نگرفته است (ادیب حاج باقری، ۱۳۸۵: ۱۸) و نیز از آنجا که در مورد موضوع تحقیق پیش‌رو یعنی تعاملات دانشجو با خانواده یا به تعبیر دقیق‌تر، نحوه‌ی عملکرد وی در رابطه با خانواده هیچ تحقیقی صورت نپذیرفته است، صحبت از پیشینه‌ی تحقیق به یک معنا بی‌مورد است.

دوم، حتی اگر قرار باشد که پیشینه‌ی این طرح گردیده- که در این صورت پیشینه به معنای متونی است که از منظری بسیار کلی به موضوع مرتبط اند- و ارزیابی شود، می‌بایست پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها یعنی زمانی که محقق به نظریه‌ی مبنایی حاصل از تحقیق دست می‌یابد، انجام گیرد. زیرا در روش نظریه‌مبنایی اساساً ارزیابی پیشینه‌ی تحقیق برای مقایسه‌ی آن با نظریه‌ی ایجاد شده صورت می‌پذیرد (همان، ۵۱).

بر این اساس، در بخش نتیجه‌گیری (فصل ۵) به نقد و ارزیابی آن متونی می‌پردازم که در سطحی بسیار کلی به موضوع تحقیق مربوط می‌شوند.



## فصل ۲:

# چارچوب مفهومی

## ۲-۱. مقدمه

در ابتدا پیش از آنکه مفاهیم اصلی و چارچوب مفهومی خود را توضیح دهیم، ذکر دو نکته در ارتباط با چارچوب مفهومی ضروری است: اول اینکه، نظریات ذکر شده- یعنی نظریه هایی که با کنار هم قرار دادن آنها چارچوب مفهومی خود را ساخته و پرداخته ام- را تنها می بایست به عنوان کلیاتی تلقی نمود که در ابتدای کار می توانند دورنمایی از مسیر تحقیق را مشخص کرده و در خلال تحقیق نیز در برانگیختن حساسیت نظری محقق نسبت به مسائل و پدیده های مورد مطالعه مؤثر باشند. دوم، از آنجا که در روش نظریه مبنایی تکیه ی محقق بیشتر بر مطالعه ی مستقیم پدیده ها و سعی در استخراج مقولات و گزاره ها و نهایتاً نظریه ای مبتنی بر آنها برای فهم پدیده ی مورد مطالعه می باشد، بهره گیری از متون نظری به معنای پذیرش کامل آنها به مثابه ی چارچوبی نظری نیست و محقق صرفاً از این متون به عنوان منبع احتمالی ایجاد سؤال، منبع ثانویه ی داده ها و یا راهنمای نمونه گیری نظری استفاده می نماید (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۵۰-۴۸). بنابراین در تحقیق نظریه مبنایی به خلاف تحقیقات کمی که به میزان متنابهی با آزمون روابط بین متغیرها و اینکه آنها چگونه با یکدیگر مربوط می شوند، سر و کار دارد، ما می خواهیم مقولات مربوط و روابط بین آنها را کشف کنیم و آن مقوله ها را به شکلی جدید و نه به شکل معمول شناخته شده، به هم ربط دهیم (همان: ۴۷).

## ۲-۲. تعریف مفاهیم اصلی

### ۲-۲-۱. تعارض<sup>۱</sup>

«تعارض رویدادی همیشگی در سازمان ها [و نهادها] ست که بر انبوهی از فرآیندها و پیامدهای سازمانی و فردی تأثیر می گذارد. اهمیت تعارض در تحقیقاتی که ۷۰ سال از عمر آنها می گذرد نشان داده شده است؛ تحقیقاتی که در کتاب های متعدد، فصولی از کتاب های مرجع و مقالات مندرج در مجلات تلخیص شده اند. در این منابع، واژه‌ی تعارض به شیوه های متفاوتی به کار رفته است، از جمله برای اشاره به اشکال و انواع مختلف تعارض (مثلاً نژادی، قومی، مذهبی، سیاسی، زناشویی، شخصیتی، جنسیتی، نقشی، ارزشی و غیره)، برای واحدهای مختلف یا سطوح مختلف تحلیل که تعارض در آنها نهفته است (مثلاً در درون فرد، بین افراد، بین گروه ها، بین سازمان ها، بین ملت ها و غیره) و برای زمینه های موقعیتی متفاوتی که تعارض در آنها رخ می دهد (مثلاً در خانه، در سازمان ها، در ورزشگاه، در میدان نبرد و غیره)» (Hartwick and Barki, 2002: 4).

هارتویک و بارکی (۲۰۰۲) معتقدند بسیاری از تحقیقات تجربی در مورد تعارض نتوانسته اند یک تعریف روشن که مورد پذیرش عام باشد ارائه دهند. به زعم آنها، برخی مساله را بدیهی گرفته و تعارض را بر حسب اینکه کی، کجا و چگونه رخ می دهد یا بر حسب تأثیری که بر جای می گذارد، تعریف می کنند. به این معنا که تعارض را به صورتی غیرمستقیم با توصیف سوابق یا پیامدهای آن تعریف می کنند و نه با تصریح اینکه تعارض دقیقاً چیست. برخی تعارض را با عدم توافق یا تفاوت دیدگاه ها یکسان می گیرند، برخی آن را رفتاری خصومت آمیز یا ستیزه جویانه می دانند و برخی دیگر آن را آمیزه ای از احساسات منفی مانند «اضطراب، حسادت، سرخوردگی و خشم در نظر می گیرند و نهایتاً برخی نیز تعارض را ترکیبی از همه مسائل بالا می دانند. علاوه بر این موقعیت پیچیده کنونی، مطالعات متعدد بین انواع تعارض بین فردی موجود در موقعیت های سازمانی مانند تعارض رابطه ای یا کاری و تعارض های شناختی و عاطفی قائل به تمایز شده اند (Ibid).

### تعارض بین فردی<sup>۲</sup>

«تعارض بین فردی فرآیندی پویاست که بین افراد یا گروه هایی رخ می دهد که روابط متقابل و بهم وابسته ای با یکدیگر دارند. احتمال وقوع این تعارض زمانی بیشتر است که گستره ای از شرایط موقعیتی مربوط به پس زمینه (مثلاً ساختارهای پاداش بده بستان<sup>۳</sup> منابع کمیاب و ...) و شرایط فردی

---

1. Conflict  
2. Interpersonal Conflict  
3. zero-sum

(مثلا پیشینه ی تعارض ها، تنوع بین فردی و غیره) وجود داشته باشند» (Ibid:4-5). هارتویک و بارکی (۲۰۰۲) با آگاهی از اینکه تعارض به شیوه های مختلفی تعریف شده است معتقدند که سه مضمون یا ویژگی عام اساس توصیف های مربوط به چستی تعارض را تشکیل می دهند: عدم توافق<sup>۱</sup>، تداخل<sup>۲</sup> و احساسات منفی<sup>۳</sup>. به زعم آنها، این سه مضمون را می توان جلوه های شناختی، رفتاری و عاطفی تعارض بین فردی در نظر گرفت. اول، به رغم اینکه شماری از شناخت های مختلف را می توان با تعارض بین فردی مرتبط دانست، اما در ادبیات موجود، شناختی که بیشتر از همه مورد بحث و بررسی قرار گرفته، عدم توافق است. **عدم توافق** زمانی است که طرفین فکر می کنند نوعی انشعاب و اختلاف در ارزش ها، نیازها، علایق، دیدگاه ها، اهداف و مقاصد شان وجود دارد. دوم، شماری از **رفتارهای مختلف** مانند بحث، استدلال، رقابت، ترفندهای سیاسی، غیبت، پرخاشگری، خصومت و تخریب با تعارض بین فردی مرتبط دانسته شده اند. هر چند ممکن است که این رفتارها، رفتارهای خاص مربوط به تعارض باشند اما معمولاً دلالت بر وجود تعارض ندارند. تنها زمانی می توان از تعارض حرف زد که رفتارهای یک طرف با برداشت طرف دیگر از علایق، مقاصد و اهداف خود تقابل داشته یا برای آنها ایجاد مانع کند. نهایتاً اینکه، هر چند که شماری از حالات عاطفی با تعارض مرتبط دانسته شده اند، اما برای تعریف و تصریح تعارض بین فردی، از **احساسات منفی** مانند ترس، حسادت، خشم، اضطراب و سرخوردگی استفاده شده است (Ibid:5).

«یک شرط مهم برای کنش های متقابل پایدار، حفظ تعادل بین فردی است. تعارض موجب عدم تعادل می شود، و افراد درگیر در تعارض می توانند شیوه های متفاوتی را برای سوق دادن کنش های متقابل به سمت تعادل در پیش گیرند. این شیوه های مختلف، استراتژی حل تعارض هستند و می توان آنها را مجموعه ای از رفتارها تعریف نمود که به نظر می رسد در خدمت هدفی اجتماعی هستند. این رفتارها ممکن است آگاهانه باشند یعنی ابزارهایی برنامه ریزی شده برای اهدافی که قابل پیش بینی هستند و یا ناآگاهانه باشند یعنی رفتارهایی خودکار و همیشگی [عادت و ارانه] که نتایج آنها همانند نتایج اهداف است» (Stimson, 2000: 1451).

- 
1. Disagreement
  2. Interference
  3. Negative Emotion